

علم اصول الفقہ

۱۸

۲-۸-۸۹ پیدایش علم اصول

دراسات الاستاذ:
مهدی المادوی الطهرانی

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- با توجه به آنچه در مقدمه‌ی عدة آمده و آن را در بحث قبل نقل کردیم، شهيد صدر معتقد است که شيخ طوسي، پيشگام تدوين اصول و تبويب آن در قالب عدة بوده است.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- وی همچنین به مقایسه‌ی کار شیخ در عده و کار شیخ در مبسوط - کتاب فقهی شیخ - می‌پردازد و می‌گوید:
- شیخ قصد داشت با تدوین مبسوط، گسترشی در مباحث فقهی شیعه ایجاد نماید. این بسط و گسترش، موجب نیاز او به توسعه‌ی علم اصول شد. از این روی، ابتدا به گسترش اصول دست زد. همین توسعه‌ی اصول، امکان گسترش و توسعه در فقه را فراهم نمود.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- بنابراین در نظر شهيد صدر:
- اولاً شيخ طوسي در اصول جنبه‌ی تأسيسی دارد
- و ثانياً اقدام او به تأليف اصول، نتیجه‌ی نیازی است که در گسترش فقه احساس نموده است.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- اما قبل از اين كه به صحت يا سقم نظر شهيد پردازيم، لازم است كمى در مورد مبسوط و زمان تأليف آن مطالبى را بيان نماييم.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- مبسوط آخرين كتاب شيخ طوسي است كه در هنگام هجرت به نجف و در دوران آخر زندگي دست به تأليف آن زده است. همان گونه كه در تاريخ ثبت است، بغداد در دوران شيخ مفيد، شاهد شكوفايي حوزه علميه در خويش بود و شيخ مفيد استاد اين حوزه بود. بعد از او به ترتيب سيد مرتضى و شيخ طوسي از اساتيد برجسته ي اين حوزه به حساب مي آمدند.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- شيخ طوسي بعد از رحلت سيد مرتضى يعنى در سال ۴۳۶ هـ. ق. زعامت شيعه را به دست گرفت و تا سال ۴۴۸ هـ. ق. يعنى ۱۲ سال همچنان در حوزهی بغداد باقى ماند. در همين سال يعنى ۴۴۸ هـ. ق. بر اثر درگيرى‌هاى گستردهى شيعه و سنى در بغداد كه حوادث خونينى را در پى داشت، به نجف هجرت كرد. از سال ۴۴۸ هـ. ق. تا آخر عمر يعنى سال ۴۶۰ هـ. ق. در همان نجف ماند و اثر ماندنى خویش يعنى مبسوط را در همان جا نوشت.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهید صدر

- وی در خود مبسوط به علت تألیف آن کتاب اشاره می‌کند و می‌گوید:
- من دیدم مخالفان ما دائماً بر ما اشکال می‌گیرند و فقه امامیه را فاقد فروع می‌دانند یا معتقدند مطالب علمی یا فروع آن اندک است. علت کم بودن فروع را در فقه امامیه، عدم بهره‌گیری از قیاس قلمداد می‌کنند و ادعا دارند که فقه بدون قیاس نمی‌تواند رشد کند. من برای این که ثابت کنم شیعه فروع دارد، مبسوط را نوشتم.

. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، صص ۱ و ۲.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- شيخ اندیشه‌ی مدعیان رشد فقه با قیاس را اندیشه‌ای باطل می‌داند و معتقد است که ما می‌توانیم مسایل و تفریعات فقهی را بدون قیاس استنباط کنیم و از طریقی حکم شرعی را به دست آوریم که برای ما حجت باشد؛ نه طریقی که در شریعت مورد منع قرار گرفته است.
- و مقصود شيخ در این قسمت، مباحث اصولی مثل عام و خاص و... است که از طریق بهره‌گیری این اصول در فقه می‌توان حکم شرعی را بدون نیاز به قیاس، به دست آورد.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- شيخ طوسي، همان گونه که خودش در مقدمه می گوید، سعی دارد تمامی ابواب فقه را به صورت مختصر بیان نماید، مسایل را طبقه-بندی کند، مسایلی را که شبیه هم هستند کنار هم بیاورد، تمامی جوانب هر مسأله‌ای را کاملاً توضیح دهد و فروع مربوط به آن مسایل را بر اساس مباحث شیعه ذکر کند.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- در عين حال تلاش نموده به آراي مخالفان در مسأله اشاره کند و اگر مسأله، مسأله‌ی ساده‌ای است، فقط به ذکر فتوا اکتفا نماید و اگر مسأله از مسایل مشکل است، ادله‌ی آن را هم بیان کند. دليل مباحث مشکل را از آن روی ذکر می‌کند که مراجعان به کتاب، صرفاً مقلد نباشند، بلکه به بحث استدلالی در آن مورد نیز واقف گردند.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- شيخ در انتهای مقدمه می گوید:
- وهذا الكتاب اذا سهل الله تعالى اتمامه، يكون كتاباً لا نظير له لا في كتب اصحابنا ولا في كتب المخالفين، لأنني الى الآن ما عرفت لاحد من الفقهاء كتاباً واحداً يشتمل على الاصول والفروع مستوفاً مذهبنا بل كتبهم و إن كانت كثيرة فليس تشتمل عليهما كتاب واحد، و أما أصحابنا فليس لهم في هذا المعنى ما يشار إليه بل لهم مختصرات، و أوفى ما عمل في هذا المعنى كتابنا النهاية

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهید صدر

- سطح فقہی علمای قبل از شیخ طوسی، از کلام خود شیخ در همان مقدمه‌ی مبسوط واضح است. وی می‌گوید:
- لانهم القوا الأخبار و ما روه من صریح الالفاظ حتی أن مسأله لو غیر لفظها و عبّر معناها بغير اللفظ المعتاد لهم لعجبوا منها و قصر فهمهم عنها [فقهای زمان من به احادیث انس دارند. انس آنها به حدیث آن قدر زیاد است که اگر در مسأله‌ای، الفاظ تغییر کند ولی تغییری در محتوی ایجاد نشود و همان محتوی و فتوی با عبارت دیگر بیان گردد و به لفظی که آنها عادت دارند، نباشد، تعجب می‌کنند و نمی‌توانند آن را بفهمند].

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهید صدر

- سطح علمی فقهای زمان شیخ در این حد است که تحفظ بر اخبار و عبارات موجود در آنها دارند؛ به گونه‌ای که حتی اگر مطلب عوض نشود و محتوی تغییر نکند و استدلال تازه و نظریه‌ی جدیدی ابراز نشود، نمی‌توانند آن را درک کنند.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- شيخ مي گويد: من كه اين فضا را ديدم، كتاب نهايه را بر همان اساس نوشتم. سعي كردم عبارات روايات را به ترتيب مباحث فقهی ذكر كنم و تا جایی كه ممكن است تغييری در عبارت ندهم، تا آنها وحشت نكنند و بر اين گمان نباشند كه من حرف عجيب و غريبی مي زنم.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- با اين بيان، تفاوت فقاہت قبل از مبسوط با فقاہت بعد از مبسوط کاملاً روشن می شود.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- فقاہت قبل از مبسوط فقاہتی در سطح نزدیک به علم الحدیث است. اصحاب، روایات را جمع می‌کردند و بر عبارات روایات اصرار داشتند.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- برخی کتب فتوایی آن زمان، مثل کتاب پدر مرحوم صدوق، از آن جمله است. خود مرحوم صدوق وقتی در مسأله‌ای، روایتی نمی‌یافت، به کتاب پدر خویش مراجعه می‌کرد و از آن نقل می‌نمود؛ چون اصرار بر عبارات روایات در آنها به حدی بود که یک کتاب روایی تلقی می‌شد.

عدة الاصول و مبسوط در نگاه شهيد صدر

- حال با گذر از این توضیحات مختصر در مورد آثار فقهی و اصولی شیخ طوسی، به دیدگاه شهید صدر در این زمینه باز می‌گردیم. شهید صدر علی‌رغم توجه به فاصله‌ی زیاد بین تألیف عده و تألیف مبسوط، یعنی با توجه به این که عده در زمان جوانی شیخ نوشته شده و مبسوط مربوط به دوران پیری شیخ است، معتقد است: زمینه‌هایی برای شکل‌گیری مبسوط وجود داشت و شیخ نیاز به تألیف مبسوط را احساس می‌کرد. او می‌دانست این نیاز، جز با یک اصول مرتفع نمی‌شود. از این روی اصول را پرورش و گسترش داد. بعد از این توسعه، امکان تدوین مبسوط فراهم گردید.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- همان گونه که در تاریخچه‌ی مختصر زندگی شیخ مشخص گردید، شیخ طوسی در مباحث اصولی به شدت تحت تأثیر سید مرتضی است و بسیاری از مطالب خویش را از او اخذ کرده است. حال این استفاده ممکن است از حضور سید و در کلاس درس وی باشد یا از نوشته‌های دیگر سید غیر از ذریعه صورت گرفته باشد. با توجه به این نکته، شیخ در مباحث اصولی جنبه‌ی تأسیسی ندارد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- در اینجا جا دارد به احتمال برخی در مورد استفاده‌ی شیخ از ذریعه نیز اشاره کنیم؛ اگر چه این احتمال به دلیلی که بیان می‌کنیم، خیلی ضعیف است.
- گفته‌اند: شیخ طوسی در آن موقع که مقدمه‌ی کتاب را می‌نوشت، هنوز به ذریعه‌ی سید مرتضی دسترسی نیافته بود. اما بعدها از آن کتاب مطلع گردید و از آن بهره برد. با این حال مقدمه را تغییر نداد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- اما این احتمال خیلی ضعیف است. درست است علمای گذشته، به آثار قبلی خود مراجعه نمی‌کردند و تغییرات لازم در آنها را انجام نمی‌دادند؛ ولی از شخصیت شیخ به دور است که ابتدا ادعا کند سید مرتضی کتاب مفصلی در زمینه‌ی اصول ندارد و بعد کتاب او را بیابد و دیگر در هیچ جای عده، اشاره به ذریعه نکند و در حالی که از دیگر آثار سید مرتضی یاد می‌کند، هیچ نامی از ذریعه‌ی او نبرد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- شاهد بر همین مطلب تهذیب شیخ است. وی در ابتدای تهذیب هر جا به نام شیخ مفید می‌رسد، برای او طلب بقای عمر می‌کند و در اواسط تهذیب، بعد از نام شیخ مفید، طلب استغفار و رحمت می‌نماید. شیخ طوسی بعد از رحلت شیخ مفید اوایل کتاب تهذیب خویش را تغییر نداده است. همین عدم تغییر ما را در قضاوت نسبت به زمان تألیف تهذیب، یاری می‌دهد تا دریابیم که وی در سنی کمتر از بیست و هشت سالگی مشغول تألیف تهذیب شده است.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- در هر حال، وقتی ذریعه را در کنار عده می‌گذاریم، تأثیر پذیری شیخ از سید مرتضی را مشاهده می‌کنیم. سید در گسترش و تبویب ابواب اصول، نقش کلیدی داشت. اما شیخ نیز یک مقرر ساده نبود. او عیناً مطالب سید را نقل نمی‌کرد، بلکه آنها را تکمیل می‌نمود، نظرات خود را در بحث‌ها ارایه می‌داد و تنظیم جدیدی را عرضه می‌کرد. نگرش شیخ به استاد خویش یک نگرش منتقدانه بود و با این که از ذریعه، یعنی اثر استاد خویش، بی‌اطلاع بود، در صدد تکمیل و نقد مباحث استاد خویش برآمد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- از سوی دیگر همین بی-اطلاعی شیخ نسبت به ذریعه، نشانگر این است که «عده» در زمان جوانی شیخ به رشته‌ی تألیف درآمده، چون قاعدتاً ذریعه در اواخر عمر سید مرتضی، کتاب شناخته شده‌ای بوده است. حال با توجه به این که مبسوط شیخ در دوران پیری نوشته شده است، این فرمایش شهید صدر که علت تألیف عده را یک نیاز فقهی قلمداد می‌کند، درست نیست، یا لااقل این مطلب در مورد شیخ صادق نیست.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- شیخ در پرتو توسعه‌های اصولی سید مرتضی، امکان تألیف یک اصول مدون و کامل را یافت. شیخ طوسی و سید مرتضی هر دو در مرزبندی مباحث اصول از مباحث غیر اصول زحمات فراوان کشیدند؛ سید پیشگام این حرکت و شیخ ادامه دهنده‌ی آن بود. این توسعه‌ی اصولی، امکان توسعه‌ی فقهی را برای شیخ فراهم آورد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- بنابراین، اگر چه بدون شک بین اندیشه‌ی فقهی و اندیشه‌ی اصولی یعنی بین بحث‌های نظری اصولی و تطبیق آنها در فقه، ارتباط دو سویه وجود دارد و آنها در هم اثر می‌گذارند - نیازهای فقهی باعث گسترش بحث‌های اصولی می‌شود و گسترش بحث‌های اصولی امکان گسترش مباحث فقهی را فراهم می‌آورد - ، اما معنای این تفاعل و ترابط فکری این نیست که توسعه‌ی فکر اصولی نتیجه‌ی توسعه‌ی فکر و اندیشه‌ی فقهی باشد؛ بلکه گاهی مسأله به عکس است.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- فاصله‌ی زمانی بین عده و مبسوط که حداقل سی سال است، نشان می‌دهد عده از ثمرات مبسوط نیست؛ بلکه مبسوط از ثمرات عده است. رشد و تحول فقهی ایجاد شده توسط شیخ در مبسوط، در پرتو رشد اصولی بود که در عده پیدا شد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- البته دلایل دیگری نیز برای تأخیر نگارش مبسوط وجود داشت. چه اگر فقط توسعه‌ی اصولی دلیل تألیف مبسوط باشد، باید فاصله‌ی زمانی عده و مبسوط خیلی کمتر از این می‌بود. همین فاصله‌ی زمانی به صورت معقول، بیانگر وجود عوامل دیگری است.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- یکی از مهم‌ترین این عوامل، شاید فضای فقهی زمان شیخ طوسی باشد. همان گونه که دیدیم شیخ فضایی را ترسیم می‌کند که نوآوری در آن بسیار مشکل است. اگر کسی بخواهد در آن فضا حرف تازه‌ای بزند، خیلی باید قدرت داشته باشد.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- شیخ با این که در زمان شیخ مفید، شخصیت شناخته شده‌ای است و در زمره‌ی شاگردان برجسته‌ی شیخ مفید و مورد توجه استاد خویش می‌باشد و در همان زمان تألیف تهذیب را آغاز نموده است، اما در آن زمان نتوانسته مبسوط را بنویسد. وی حتی در زمانی که مشغول نگارش عده بود و نزدیک‌ترین شخصیت به سید مرتضی به حساب می‌آمد، نتوانست به نگارش مبسوط پردازد. بعد از اتمام عده هم این زمینه هنوز فراهم نشده بود، چون شیخ عده-دار مرجعیت شیعه نبود.

نگاه شهید صدر، بررسی و تحلیل

- مشاغل و مشکلات شیخ در هنگام عهده-داری مرجعیت شیعه در بغداد، یکی دیگر از عواملی است که مانع تحقق مبسوط در زمانی قبل از وقوعش، می‌گردد.
- شیخ خود در مقدمه‌ی مبسوط به گونه‌ای اجمالی به این نکته اشاره می‌کند و می‌گوید: سال-ها است می‌خواهم این کار را بکنم اما مشکلات و مشاغل متعدد من مانع انجام کاری شد که سال‌ها نیت آن را داشتم.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- در هر حال شیخ وقتی به تألیف مبسوط می پردازد که زمینه‌ی آن از جهات مختلف فراهم گردیده است. وی در اواخر عمر، بعد از هجرت به نجف، در سن ۶۳ سالگی، با همتی عجیب، اقدام به تألیف کتابی می کند که نقشی دو سویه در فقه شیعه بازی می کند.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- اطلاعات شیخ در این زمان بسیار وسیع بود. کتابخانه‌ی شیخ در بغداد که در آتش سوزی سال ۴۴۹ هـ. ق از بین رفت، کتابخانه‌ی کم نظیری بود. او کتاب‌های فراوانی در دست داشت که خیلی از آنها از جمله منابع شیخ در تهذیب و استبصار، به ما نرسیده است.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- شیخ با این اطلاعات وسیع، کتابی را می‌نویسد که خودش از آن به کتاب بی‌نظیر یاد می‌کند؛ با این که کتاب‌های دیگر شیخ مثل عده، تهذیب، استبصار، فهرست و رجال نیز در زمان خودشان کتاب‌های واقعاً کم‌نظیری بودند و امروزه منبع اجتهاد ما هم هستند.

نگاہ شهید صدر، بررسی و تحلیل

- شیخ در مقام پاسخ-گویی به مذاهب دیگر اسلامی بود. آنها فتوای بسیاری مسایل را از طریق قیاس و استحسان به دست می‌آوردند. شیخ احساس کرده بود که شیعه باید نسبت به آن مسایل فقهی اظهار نظر کند. برای این اظهار نظر به ابزار اصولی توانمندی نیازمند بود و عده وسیله‌ی لازم برای گسترش اینچنین را در اختیار شیخ گذارده بود.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- ظهور مبسوط، یک سر فصل تازه در فقه شیعه است. با این کتاب، فقهی که نزدیک علم حدیث بود و حتی تحفظ بر متن روایات داشت، نه تنها به فقه محتوایی تبدیل می‌شود؛ بلکه به شکل فقهی با فروع متنوع و بر اساس استدلال‌های اصولی بروز و ظهور می‌یابد.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- با ظهور مبسوط و با توجه به بنیانی که شیخ در علم فقه و علم اصول نهاده بود، توقع می‌رفت که این دو علم بعد از شیخ، پیشرفت بسیار سریعی داشته باشد. در حالی که با رحلت شیخ در سال ۴۶۰ هـ. ق شاهد یک رکود صد ساله در حوزه‌ی شیعه هستیم.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- حوزه‌ی فعال و پویای دوران شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی که ده‌ها فقیه و دانشمند در خود پرورش داده بود و برجستگانی صاحب آثار و کتب که کتاب‌های آنها امروز نیز از منابع مهم ما هستند، در خود داشت، یکباره با رکودی طولانی مواجه گردید؛ یک قرن توقف در مسایل فقهی و اصولی.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- مقصود از توقف در این یک قرن، عدم پیدایش تألیفی جدید در زمینه‌ی فقه و اصول نیست، چه در این مدت نیز کارهایی صورت پذیرفته؛ اما این مقدار در مقایسه با آنچه شیخ انجام داده بود، خیلی اندک است. علما در این صد سال خیلی جلوتر از شیخ نرفتند و تحولی در فقه و اصول ایجاد نمودند.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- بسیاری از متفکران، پیشگامی شیخ طوسی و عظمت علمی و اوج دانش او را عامل این رکود می‌شمارند. نوآوری و ابتکار شیخ که یک امر مثبت است و قاعدتاً باید زمینه‌ای برای نوآوری‌ها و ابداعات دیگر گردد، خود به عاملی منفی در رشد حوزه‌ی شیعه بدل می‌گردد.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- شیخ طوسی آن قدر نسبت به توانایی‌های زمان خود جلو رفته بود که یک قرن امکان رسیدن به قله‌ی اندیشه شیخ و نگریستن به نظراتی که ورای اندیشه و نظرات شیخ بود، برای دانشمندان و علمای شیعه فراهم نمی‌شد.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- ما در علوم جدید نیز شاهد چنین پدیده‌ای هستیم. وقتی نیوتن در فیزیک بحث‌های تازه و نو خود را ارائه نمود و دانش جدید فیزیک را پایه-ریزی کرد، فیزیک-دانان تا دو قرن بعد از او بر این احساس بودند که نیوتن هر چه بنا بود کشف شود، کشف کرد، چیزی باقی نمانده تا در صدد کشف آن برآییم. از این روی بسیاری از آنها به بحث-هایی می‌پرداختند که هیچ ارزش فیزیکی و علمی نداشت؛ به طور مثال در مورد تعداد فرشتگانی که در نوک سوزن جای می‌گرفتند، بحث می‌کردند.

یک قرن رکود در حوزه‌ی شیعه

- شیخ طوسی خیلی مقدم بر نیوتن است و امکانات و ابزار فرهنگی آن زمان با امکانات و ابزارهای زمان نیوتن بسیار متفاوت و غیر قابل مقایسه می‌باشد؛ ولی در عین حال همان اتفاقی که در حوزه‌ی شیعه افتاد، در علم فیزیک هم رخ نمود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است غیر از عامل مذکور، عوامل دیگری نیز در رکود مؤثر بودند. وی حتی تأثیر این عامل، یعنی پیشگامی شیخ را نتیجه‌ی تأثیر عوامل دیگر می‌داند.
- در نظر این شهید بزرگوار سه عامل، باعث رکود فقه و اصول در شیعه گشت:

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- أ. هجرت به نجف و عدم همراهی شاگردان: همان گونه که قبلاً گفتیم، شیخ طوسی در سن ۲۳ سالگی به مدت پنج سال، درس شیخ مفید را درک کرد و بعد از رحلت وی مدت بیست و سه سال در محضر درس سید مرتضی رفت. پس از وفات استاد دیگر خویش، بر مسند مرجعیت شیعه در بغداد نشست.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- موقعیت علمی شیخ در بغداد به گونه‌ای بود که خلیفه‌ی وقت، القائم بامر الله، کرسی کلام و افاده را در اختیار شیخ طوسی قرار داد. این کرسی به تعبیر سید محسن امین جایگاه و مقام بالایی را می‌طلبید و به اندک افرادی اعطا می‌گشت. شیعیان از مناطق مختلف به بغداد می‌آمدند و گرداگرد شیخ جمع می‌شدند. تعداد شاگردان شیخ طوسی به اندازه‌ای زیاد بود که فقط سیصد نفر آنها مجتهد شیعی بودند*.
- *از وحید بهبهانی نقل شده است که این تعداد، عدد مجتهدان شیعه و سنی حاضر در درس شیخ بود. ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۵۹؛ علی دوانی، وحید بهبهانی، ص ۶۵.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- طغرل بیک اولین پادشاه سلجوقی در سال ۴۴۷ هـ. ق به بغداد حمله کرد و کتابخانه‌ی شیعه * را که توسط ابونصر، وزیر بهاء الدوله‌ی بویهی از آل بویه تأسیس شده بود، به آتش کشید.
- * این کتابخانه، کتابخانه‌ی منحصر به فردی بود. گفته‌اند ده‌ها هزار کتاب در آنجا نگهداری می‌شد که اکثر آنها به خط نویسندگان اصلی این کتب بود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- درگیری‌ها همچنان ادامه داشت تا این که در سال ۴۴۸ هـ. ق خانۀ شیخ طوسی مورد هجوم قرار گرفت و شیخ از بغداد به نجف متواری شد. نقل شده است خانۀ و کتابخانۀ شخصی شیخ در سال ۴۴۹ هـ. ق تماماً در آتش سوخت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- نجف در آن زمان صرفاً یک زیارتگاه شیعی بود و عده‌ی کمی در اطراف زندگی می‌کردند کار این عده خدمت به زائران حرم علی بن ابی طالب علیه السلام بود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- برخی گفته‌اند: قبل از هجرت شیخ به نجف، در آنجا حوزه وجود داشت و شاهد بر این مطلب را، اجازات علمایی می‌دانند که در آنها اسم نجف به عنوان مکان اجازه برده شده بود*.
- * از جمله‌ی آنها اجازه‌ای است که نجاشی نقل کرده است. ربک: نجاشی، الفهرس، ص ۵۰، رقم ۱۶۲.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- اما سید محسن امین این رأی را نمی‌پذیرد. وی می‌گوید: نجف محل زیارت افراد مختلف از جمله علما بوده است و چه بسا عالمی، عالمی دیگر را در نجف می‌دیده و از او اجازه‌ی روایی و یا... می‌گرفته است. پس صرف نام نجف در اجازات دلیل بر وجود حوزه‌ای در آنجا نیست.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شیخ پس از ورود به قریه‌ی کوچک نجف، حوزه‌ی نجف را پایه-ریزی می‌کند. آمدن شیخ به نجف فوایدی را نیز در پی داشت. مرحوم تستری صاحب کتاب مقابس الانوار که در زمینه-ی فقه است و کتاب کشف القناع عن وجه الاجماع که در زمینه-ی اصول است، در مورد هجرت شیخ طوسی به نجف می‌گوید: این هجرت یک موهبت الهی بود. شیخ که در بغداد مشغله‌های فراوان داشت، با هجرت به نجف فراغتی یافت تا به کارهای مهم علمی پردازد.

ر.ک: شیخ اسد الله تستری، مقابس الانوار، ص ۵، ترجمه‌ی شیخ طوسی؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، صص ۶۳-۶۴.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- اما شیخ با هجرت به نجف شاگردان با سابقه، توانمند و برجسته‌ی خویش را از دست داد و به جای آنها، شاگردان جوان و کم سن و سال که توانایی ادامه‌ی مسیر را ندارند و نمی‌توانند خود را به قله‌ی شیخ طوسی برسانند، در محضر درس مرجع شیعه حاضر شدند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شاگردان اصلی شیخ در نجف، فرزندان او بودند که بعد از رحلت وی نیز مرجعیت شیعه و ریاست حوزه‌ی نجف را بر عهده داشتند. افرادی نیز از زایران، ساکنان نجف و مناطق نزدیک مثل حله از شاگردان مرحوم شیخ در این دوره بودند. شیخ در نجف با شاگردانی روبرو است که توانایی علمی شاگردان وی در بغداد را ندارند. برخی از شاگردان شیخ در بغداد، درس شیخ مفید یا سید مرتضی را دیده و بعد در درس شیخ طوسی آمده بودند و برخی در فقه و رجال تألیفاتی داشتند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است عدم همراهی این شاگردان برجسته با شیخ طوسی، سبب گشت کار علمی شیخ طوسی بعد از او پی گیری نشود. کسی وجود نداشت که بتواند تا آن سطح که شیخ رفته بود، برود و بعد بتواند جلوتر از آن را ببیند و به مرتبه‌های بالاتر علمی صعود نماید. نوآوری و رشد علمی، نیازمند فتح قله‌های جدید است و فتح هر قله متوقف بر ارتقا به قله‌های موجود می‌باشد و چنین صعود کنندگانی در نجف نبودند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- این نکته‌ی بسیار مهمی است. تاریخ همواره بیانگر موفقیت دانشمندانی بوده که شاگردان پیرو راه و مسلک خویش داشتند. آثار این دانشمندان به دست شاگردان توانمند و برجسته حفظ و رشد کرده است. هر دانشمندی که از چنین نعمتی برخوردار نبوده، هر چند ممکن است خود درخشیده و در دوره‌ای جرقه‌ای ایجاد نموده باشد؛ اما نتوانسته در ادامه‌ی تاریخ علمی، اثر بگذارد، آن طرح نو و ابتکار او با توقف و رکود همراه گشته و مسیر خویش را ادامه نداده است.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر بر عدم همراهی شاگردان شیخ با او در نجف شواهدی ذکر می‌کند:

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ۱. نقل‌های تاریخی نشان نمی‌دهند که شاگردان قدیمی شیخ طوسی از بغداد به نجف آمده یا بعد از مدت کوتاهی خود را به او رسانده باشند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

• ۲. بعد از شیخ طوسی، پسرش مفید ثانی * مرجعیت و زعامت حوزه را به عهده می‌گیرد. با توجه به کم سن و سال بودن این شخصیت معلوم می‌گردد شاگردان مسن و با سابقه‌ی شیخ در بغداد به نجف نیامده بودند.

• * در مقابل شیخ مفید که به مفید اول معروف بود، پسر شیخ طوسی به مفید ثانی شهرت یافت. وی در سال ۵۱۵ هـ ق یعنی ۶۵ سال بعد از پدر خویش از دنیا رفت. از این روی قاعدتاً در زمانی که در نجف در درس پدر خویش حضور می‌یافته، سن کمی داشته است. مفید ثانی اجازه‌ی خویش را در سال ۴۵۵ هـ ق یعنی ۵ سال قبل از رحلت شیخ طوسی، از پدر دریافت کرد و بعد از رحلت پدر زعامت و مرجعیت را عهده دار شد. ر.ک: سید محسن امین، اعیان الشیعه، ج ۹، ص ۱۶۰.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- در اینجا می‌توان نکته‌ای را که سید محسن امین در وفات شیخ طوسی ذکر می‌کند، به عنوان شاهد دیگر به شواهد مذکور اضافه نمود. سید محسن امین نام شاگردانی را که بعد از رحلت شیخ به تجهیز و دفن بدن وی پرداختند، می‌برد؛ اما در بین آنها، معاریف و برجستگانی از شاگردان شیخ طوسی دیده نمی‌شوند که صاحب تألیفات باشند. همین امر بیانگر عدم همراهی شاگردان بغداد با وی است.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ب. عظمت شیخ طوسی: همان گونه که قبلاً نیز گفتیم، این عامل، عاملی است که اکثر علما در مورد رکود صد ساله بیان کرده‌اند و شاید تنها عاملی باشد که آنها گفته‌اند. این جمله در عبارات علما فراوان دیده می‌شود که عظمت شیخ باعث شد تا یک قرن، دانشمندان بعد از شیخ جرأت بیان مطالبی غیر از آنچه شیخ گفته بود، نداشته باشند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر در اینجا به قصه‌ای اشاره می‌کند. وی می‌گوید: در این دوره حتی بعضی خواب دیدند که امیر مؤمنان علی علیه السلام در خواب فرمودند: همه‌ی مطالب نهایی شیخ درست است و کسی حق ندارد به غیر نهایی شیخ طوسی فتوا دهد. شهید صدر معتقد است رواج چنین خوابی و طرح آن، نتیجه‌ی فضایی است که در آن زمان وجود دارد. شیخ طوسی، آنقدر با هیمنه و عظمت است که کسی جرأت اظهار نظر در مقابل او را به خود نمی‌دهد.*
- *در زمینه‌ی نظر علمای بعد از شیخ نسبت به شیخ ر. ک: سید محسن امین، اعیان الشیعة، ج ۹، ص ۱۶۰؛ سید محمد باقر صدر، المعالم الجديدة، ص ۶۶.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر معتقد است این عامل به دلیل عامل اول، یعنی هجرت به نجف و عدم همراهی شاگردان بغداد، چنین تأثیری را گذارده است. علت جرأت نکردن علما برای اظهار نظر در مقابل شیخ، پایین بودن سطح علمی و دانش آنها است. آنها به علت جوان بودن نمی‌توانستند با آرا و اندیشه‌های شیخ طوسی، مواج‌های منطقی و قوی داشته باشند و جسارت و توان علمی نقد آرای او را نداشتند.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- ج. همزمانی رکود در حوزه‌ی شیعه با رکود در حوزه‌ی سنی: در مدتی که حوزه‌ی شیعه با رکود مواجه بود، حوزه‌ی سنی نیز دچار رکود گشت و عالمان برجسته و صاحبان فکر و اندیشه‌ی نو در بین آنها نبود.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر می گوید: بین حوزه‌ی شیعه و حوزه‌ی سنی تعاملی وجود داشت. از طرفی دانشمندان سنی بحث-هایی را مطرح می‌کردند که علمای شیعه را بر آن می‌داشت تا نقطه نظرات خویش را در آن زمینه مطرح کنند و از سویی دیگر دانشمندان و عالمان شیعی بحث-هایی را طرح می‌نمودند که اهل سنت لازم می‌دیدند به آن بحث‌ها بپردازند. در واقع نوعی داد و ستد بین این دو حوزه وجود داشت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- در زمان سید مرتضی و شیخ طوسی این دو حوزه در هم آمیخته بود. هم عالمان سنی تدریس می‌کردند و هم عالمان شیعه. هر دو به هم احترام می‌گذاشتند. برخی از دانشمندان سنی در مورد زندگی-نامه‌ی شیخ طوسی و شیخ مفید مطالبی می‌نوشتند و از آنها به تجلیل و عظمت یاد می‌کردند. دیدگاه‌های هر یک از دو حوزه در حوزه‌ی دیگر مطرح و مورد نقد و بررسی قرار می‌گرفت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- با مراجعه به آثار سید مرتضی و شیخ مفید واضح می‌گردد که چقدر آنها به مباحث اهل سنت توجه داشتند و چقدر سخنان آنها ناظر به مباحث اهل سنت است. البته بیشترین هم شیخ مفید در حوزه‌ی مباحث کلامی بود؛ ولی در حوزه‌ی فقه نیز اثری مثل مقنعه کار بسیار مهمی به شمار می‌آمد.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- وقتی شیخ طوسی از بغداد که مرکز تعامل این دو حوزه بود، هجرت نمود و به نجف رفت، حوزه‌ی شیعه از حوزه‌ی سنی جدا شد. از طرف دیگر در خود حوزه‌ی سنی رکود علمی پیدا شد. در آن روزگار دیگر دانشمند برجسته‌ای بروز نیافت. عدم تعامل بین حوزه‌ی شیعه و سنی و رکود در حوزه‌ی سنی، سبب رکود در حوزه‌ی شیعی گشت.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر برای رکود در حوزه‌ی شیعی شاهی ذکر می‌کند. آن شاهد عبارتی از غزالی است. غزالی (متوفای ۵۰۵ هـ. ق یعنی ۵۵ سال بعد از رحلت شیخ طوسی) در ذکر آداب مناظره می‌گوید: شخص مناظره کننده باید مجتهد باشد. این که بگوید ابوحنیفه چنین گفته، شافعی چنان گفته، درست نیست خود باید در مناظره صاحب نظر باشد.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- شهید صدر از این عبارت، غلبه‌ی ناقلان فتوی را بر مفتیان و مجتهدان استفاده می‌کند و می‌گوید: عبارت غزالی بیانگر این است که در آن فضا نوعاً فتوای ابوحنیفه و شافعی نقل می‌شده است. پس معلوم می‌گردد در حوزه‌ی سنی با رکود مواجه هستیم.

عوامل رکود از نگاه شهید صدر

- آنچه شهید صدر از عبارت غزالی برداشت نموه، از این عبارت فهمیده نمی شود. کلمات غزالی، وجود علما و مجتهدان را نفی نمی کند.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ا. بررسی عامل اول: درست است که نداشتن شاگردان قوی، یکی از عوامل توقف مسیر یک متفکر و دانشمند به حساب می آید، اما رکود یک قرن، رکود طولانی-ای است. آیا می توان با جوان بودن شاگردان شیخ در نجف که شهید صدر اصرار دارد آن را بپذیریم و می پذیریم، عامل رکود فقه و اصول را در مدت صد سال توجیه نمود.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- درست است که مبسوط، آخرین کتاب فقهی شیخ و به گفته‌ی برخی: آخرین کتاب زندگی شیخ، در نجف نوشته شده و شاگردان نجف توان علمی نقد آن را نداشتند، اما عدة الاصول شیخ در زمان حیات سید مرتضی و در زمانی که هنوز ذریعه شناخته نشده بود، به رشته‌ی تحریر در آمده است. شیخ طوسی دوازده سال بعد از وفات سید مرتضی هنوز در بغداد اقامت داشت و ظاهراً بین زمان نوشته شدن «عدة» تا هجرت به نجف بیست سال فاصله است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- در این مدت شاگردان برجسته‌ی شیخ با او بودند و در درس او شرکت می‌کردند؛ شاگردان با سابقه‌ای که برخی از آنها درس شیخ مفید و سید مرتضی را هم دیده بودند. پس چرا در اینجا نیز با رکود یک قرنه مواجه هستیم؟ چرا شاگردان با سابقه‌ی شیخ در حوزه‌ی بغداد و به تعبیر شهید صدر حوزه‌ی اساسی قوی شیعه، به تألیف و تصنیفی در اصول اقدام نکردند تا قدمی بعد از شیخ طوسی محسوب شود؟

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ب. بررسی عامل دوم: دیدیم شهید صدر تأثیر عامل دوم را نتیجه‌ی تأثیر عامل اول دانست و عدم جرأت علمای بعد از شیخ برای نقد آرای وی را نتیجه‌ی پایین بودن سطحی علمی آنها قلمداد کرد.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- فرمایش شهید صدر اگر چه در بردارنده‌ی نکته‌ی درستی است اما چیزی که باید روی آن تأکید نمود و شهید صدر به آن التفات داشته، پرش و خیز بلند شیخ طوسی در مباحث علمی است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- مبسوط شیخ با آن همه گسترش و تفریعات و ابواب گوناگون، در فضایی نوشته می‌شود که علمای دیگر اصرار بر متن روایت دارند و حتی نقل به معنا هم نمی‌کنند. عده‌ی شیخ در کنار ذریعه و پا به پای آن بروز می‌یابد و اگر چه بسیار از آثار سید مرتضی تأثیر می‌پذیرد، اما بیان ابواب تازه‌ای در اصول است. تبیان شیخ طوسی آن قدر اهمیت دارد که ابن ادریس با آن همه تعابیر تند نسبت به شیخ، از آن بسیار تجلیل می‌کند و کار شیخ را در تبیان تحسین می‌نماید. کارهای دیگر شیخ نیز در نوبه‌ی خود حاوی مطالب نو و تازه و طرح‌های ابتکاری است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- شیخ طوسی نابغه‌ی کم نظیری بود. او دانش دینی را در حوزه‌های مختلف به قدری جلو برد که حتی دانشمندان و علمای بغداد توان رسیدن به او را نداشتند؛ چه رسد به نقد و بررسی آثار او.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- توانایی فقهی شیخ و تسلط وی بر مباحث فقهی، سبب احتیاط علمای بعد از شیخ در مخالفت با او گشت به گونه‌ای که ابن ادریس و علمای بعد از او از این صد سال به دوران تقلید یاد می‌کنند و علمای این دوران را مقلد معرفی می‌نمایند.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- علمای بعد از شیخ مبانی و روش شیخ را در اصول نقد نمی‌کردند و آرای فقهی شیخ را که بر اساس همان مبانی اصولی بود، می‌پذیرفتند و بر اساس آن حکم می‌کردند. از این روی ابن ادریس که بعد از یک قرن قصد شکستن این جو را دارد، مجبور است قدری تند برخورد نماید.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- ناگفته نماند که عظمت شیخ طوسی به گونه‌ای است که با وجود هجوم ابن ادریس و وجود منتقد دیگری در همان زمان، یعنی سید بن زهره*، محقق حلی و علامه‌ی حلی در دوران شکوفایی حوزه‌ی حله باز به شدت تحت تأثیر آرای شیخ طوسی‌اند و این تأثیر تا مدت‌ها بعد حتی تا زمان نزدیک زمان آیت‌الله بروجردی ادامه دارد.
- * کتاب غنیه‌ی سید بن زهره و کتاب سرائر ابن ادریس تقریباً همزمان نوشته شده و هر دو نقد آرای شیخ طوسی به حساب می‌آید. کتاب غنیه هم اصول است هم فقه؛ یک پنجم ابتدای آن در مورد اصول و بقیه در زمینه‌ی فقه می‌باشد؛ اما کتاب سرائر فقط در مورد فقه است.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- شاگردان آقای بروجردی فراوان نقل می‌کنند که ایشان در هر جا به نتیجه‌ای خلاف فتوای شیخ طوسی دست می‌یافت، فتوا نمی‌داد و احتیاط می‌کرد؛ با این که از نظر استدلال، استدلالش خلاف استدلال شیخ طوسی بود.

بررسی دیدگاه شهید صدر در مورد رکود

- اضافه بر این مطلب، یعنی تأکید بر خیزش علمی شیخ طوسی، اگر تأثیرپذیری عامل دوم از عامل اول را بپذیریم، این سؤال همچنان باقی است که چرا عده‌ی شیخ طوسی که در حیات سید مرتضی و در بغداد و در کنار شاگردان قوی، نوشته شده، مورد نقد و بررسی قرار نگرفته است؟